

بقلم : آقای قویم الدوله

فریدالدین عطار

(۳)

زند گانی شیخ فریدالدین ابو حامد عطار نسابوری ساده و بی تکلف بود ، هیچ گاه بساط ارشاد نگسترد و مرقع نپوشید .

نقل است که سیدالطائفه شیخ ابوالقاسم جنید بغدادی (۱) جامه برسم علماء پوشیدی ، اصحاب گفتندش :

ای پیر طریقت ! چه باشد که بخاطر یاران مرقع درپوشی ؟

گفت : اگر بدانستمی که بمرقع کاری بر آید از آهن و آتش لباس سازمی و درپوشمی ، ولی هر ساعت در باطن ما نداء میکنند که « ایس الاعتبار بالخرقة ، انما الاعتبار بالخرقة ، مرد بسیرت مرد آیدنه بصورت . - مرقع خرقة ودلق صوفیان و درویشان است .

باستانی ترین شکل تصوف اسلامی اعراض از دنیا فانی و زخارف و لذائذ آن و تزهّد و تقشف و اقبال بتصفیه باطن و محاسبه نفس بوده است ، و صوفی بر مردمانی اطلاق می شده است که اساس خداپرستی را بر محبت نهاده ، و عشق خاصی نسبت بنخالق در خود ایجاد کرده بودند .

رفته رفته تصوف تحت تأثیر آشنائی مسلمین با فرهنگ هند و یونان و ایران بصورت مذهب خاصی درآمد ، و متصوفه سخنانی گفتند که مورد اعتراض فقهاء و محدثین و متکلمین قرار گرفت .

تصوف پس از تماس با آراء گوناگون و استنباط از آیات قرآن کریم و اقتباس

(۱) شیخ جنید بن محمد خزاز قواریری ایرانی نژاد ، اصلش از نهاوند بوده ،

دویست پیر را خدمت و در عراق نشوونما کرده ، بسال ۲۹۷ در بغداد گذشته شده است .

از منابع غیر اسلامی و فلسفه افلاطونی^۱ و ترکیب این عناصر مختلفه بسا مقتضیات نژادی و زمانی و مکانی در پایانهای سده سوم هجری بمرحله رشد و کمال رسید، و مسلک پخته روشنی شد، و نمایندگان برجسته‌یی پیدا کرد.

صوفیان سده سوم^۲ به تفکر و تدبر و امعان نظر بیشتر اهمیت میدادند تا بریاضات شاقه، و ازین پس وجهه نظری تصوف جنبه عملی آنرا تحت الشعاع قرار می‌دهد.

فحواء کلامشان اینک: ریاضت مرحله نخستین سفر سالک است.

ابوسعید احمد بن عیسی الخراز می‌گوید: جوع طعام مرتاضان و تفکر خوراک عارفان است.

عقیده بنفا - یعنی گم شدن فرد در وجود کل - از افکار هندی است که مشایخ خراسان ترویج میکردند.

تصوف در کشورهای اسلامی بسرعت میان طبقات مختلفه نفوذ کرد و یک فرقه مذهبی را بوجود آورد. و روح ایرانی از روزگار باستان استعداد خاص در تصوف و عرفان داشته است.

در شماره پیش گفتیم: خواجه نظام الملک سعدالدین مسعود ابهری وزیر علاءالدین تکش خوارزمشاه خانقاهی برای شیخ عطار در شادیاخ پی افکند که بزودی محط رحال مردان راه گردید.

خانقاه معرب خانگه و مر کب از خانه و گاه است.

(۱) افلاطونی نوین مذهبی است فلسفی آمیخته بدین که عناصر اولیه اش از افلاطون و رواقیان گرفته شده است.

(۲) درباره اشتقاق کلمه صوفی آراء مختلف است.

شیخ ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن القشیری در رساله قشیریه می‌نویسد: این کلمه اشتقاق عربی ندارد.

ظاهراً صوفی از واژه یونانی «سوفیا» گرفته شده و معنایش حکمت است.

خانقاه تا سده پنجم هجری جای گرد آمدن مسافرین و آسایشگاه کسانی بود که مسکن و مأوی نداشتند، و در آنجا مانند دیرهای ترسایان از ایشان پذیرائی می شد.

در سده ششم بساط ارشاد در هر گوشه و کنار کشورهای اسلامی پهن و خانقاه علاوه بر مرکزیت اجتماعی در تکمیل و تهذیب نفوس سالکان و ارشاد مبتدیان مؤثر بود.

فریدالدین محمد عطار که بطیب خلق و کرم نفس و علم و عمل نظیر نداشت در نسابور پیروانی یافت که ستاره روشن ایشان بود، و هر روز دری از معرفت برویشان می گشود، لطائف سخنان جانفزایش با اجزاء روح می آمیخت، مطالب عرفانی را با سلوب جذاب شعری بیان میکرد، شواهد و مضارع که در طی حکایات و امثال می آورد هوش از راه گوش می برد.

خواص به عطار اقبال داشتند، عوام وی را عظیم می شمردند.

چون صوفیان صفا لذات دنیائی را ترك گفته و بزندگانی رهبانی و اخلاق صومعه نشینی گراییده بودند، پادشاهان و امراء و وزراء هم با قطاب و مشایخ این فرقه ارادت می ورزیدند.

سلطان سنجر با مردان راه خلوتها داشت.

سبب گراییدن روشنفکران بتصوف این بود که: از طرفی ظاهر صوفیان و پیران طریقت را آراسته بزهد و تقوی می یافتند و از طرف دیگر بیشتر فقهاء و محدثین بواسطه تقلد منصب قضا و تولیت اوقاف و تدریس در مدارس عملاً چیره خوار دیوان بشمار می آمدند و آلود گیهای مادی داشتند.

تصوف از بزرگترین موجهاست که در محیط اسلامی برخاسته، می توان گفت هیچ يك از دعوتها و تبلیغات باین اندازه بسط و توسعه نیافته است.

شعراء و نویسندگان متصوف ایران مسائل عرفانی را با نیکوترین طرز در لباس نظم و نثر پازسی جلوه می‌دادند و احساسات رقیق و عالی بسلامت عبارت می‌کشیدند.

شیخ عطار اهل کشف و شهود و اشراف بر خاطرها و غواص دریای عرفان بود، در نظم و نثر پازسی قادر و در هر دو میدان در سواری ماهر، مثنویبایش سفینهٔ ادب و اخلاق و حقیقهٔ حقائق و عرفان است.

عطار در خسرونامه از چند کتاب خود نام برده است:

مصیبت نامه زاد رهروان است

الهی نامه گنج خسروان است

جهان معرفت اسرار نامه است

بهشت اهل دل مختار نامه است

مقامات طیور ما چنان است

که مرغ عشق در معراج جان است

مرادش از مقامات طیور، مثنوی منطق الطیر است.

طبع عطار روان و فکرش مدام در جولان بود، شعر بسیار میگفت (۱) خودش

در پاسخ معترضی گفته است:

کسی که چون منی را عیب جوئی است

همی گوید که: او بسیار گوی است

ولیکن چون بسی دارم معانی

همی گویم، تسو مشنو، می توانی

ناتمام

(۱) بگفتهٔ آقای پارسا تویسرکانی که در تنظیم فهرست کتب کتابخانهٔ مدرسه

عالی سپهسالار شرکت داشته اند یکصدوسی هزار بیت از شیخ عطار در دست است.